

می توانیم جمعی کار کنیم

اگر بخواهیم

گزارش هشتمین نشست
منتقدان کتاب‌های علمی - آموزشی کودک و نوجوان
موضوع: بررسی فرهنگ‌نامه کودک و نوجوان
با حضور مسئولین و اعضای فرهنگ‌نامه

مرداد ماه ۱۳۸۱



بکایی: اگر دوستان اجازه بدهند، وارد دستور جلسه امروز می‌شویم. موضوع این جلسه، بررسی فرهنگ‌نامه کودک و نوجوان است با حضور سرکار خانم میرهادی و اعضای هیأت مؤلفان فرهنگ‌نامه، من پیشاپیش تشکر می‌کنم از تمام اساتید، خانم میرهادی، خانم انصاری و دیگر دوستان و گوش می‌سپاریم به مطالبی که خانم میرهادی، درباره فرهنگ‌نامه می‌خواهند بگویند.

میرهادی: به دوستان که نگاه می‌کنم، می‌بینم همه اهل تحقیق و کارشناس هستند.

بنابراین، صحبت‌هایی که خواهد شد، ممکن است برای شما تکراری باشد. شما با اصل مطلب آشنا هستید، اما چون حاصل این نشست‌ها در کتاب‌ماه هم چاپ می‌شود، با مخاطبان وسیع‌تری هم سروکار داریم. ما در این جا می‌خواهیم یک بار دیگر این تلاش ۲۳ ساله را در واقع معرفی کنیم به جامعه کتابخوان ایران و به خصوص به مخاطبان اصلی فرهنگ‌نامه کودکان و نوجوانان. سمت من هم در شورای اجرایی کودک، دبیر فرهنگ‌نامه کودکان و نوجوانان است.

نکته‌ای که در معرفی فرهنگ‌نامه، می‌خواهم درباره آن صحبت کنم، اعتقاد و اعتمادی است که ما در طی این ۲۳ سال، توانستیم نسبت به کار جمعی در خودمان به وجود بیاوریم. ما در سال ۱۳۵۸، فقط ۵ نفر بودیم که کارمان را به مأموریت از طرف هیأت مدیره شورای کتاب، بدون دانش لازم، بدون تجربه کافی و در واقع قدم به قدم شروع کردیم و هدایت شدیم تا الان که گروهی نزدیک به بیش از ۲۵۰ نفریم و در فرهنگ‌نامه کودکان و نوجوانان کار می‌کنیم. این حرکت در واقع، به نوعی به ما نشان می‌دهد که اگر ما بخواهیم به صورت جمعی کار بکنیم، حتماً امکان‌پذیر است؛ منتها باید راهش را پیدا کنیم و روش درست، به کار بگیریم. نکته دیگری که می‌خواهم خدمت شما عرض کنم، این است که معمولاً سازمانی، نهادی، وزارتخانه‌ای بودجه‌ای را برای یک کار بزرگ تصویب می‌کند. سازمانی برای اجرای این کار به وجود می‌آید و از همان ابتدا سمت‌ها و تخصص‌ها مشخص می‌شود و هرکسی در جای خودش، شروع می‌کند به کار ثمربخش کردن، من اشاره می‌کنم به دایرةالمعارف‌هایی که در ایران تهیه می‌شود و نحوه سازمان‌دهی کار. نکته خیلی اختصاصی در مورد فرهنگ‌نامه کودکان و نوجوانان، این است که فرهنگ‌نامه تقریباً با دست خالی و به همت مردمی، کارش را شروع کرد و سازمانش هنوز هم یک سازمان کامل نیست. به عبارتی ما قدم به قدم راهها را پیدا می‌کنیم که چگونه بهتر بتوانیم این کار بزرگ را پیش ببریم و باید بگوییم، جرأت کردیم که ۳ جلد را با هم کار کنیم. خود این یک سازمان‌دهی ظریف و دقیق می‌خواهد. برای این که هر جلد وارد مقوله جلد دیگر نشود و گروه‌های کاری ما که الان در حدود ۲۵ گروه کاری است، بتوانند قدم

به قدم، کار تهیه مقاله‌ها را پیش ببرند. من در این جا معرفی می‌کنم خانم پروین فخاری‌نیا را که جلد نهم را سرپرستی می‌کند و خانم ژاله دانشور که کار سرپرستی جلد دهم را برعهده دارند. با پایان گرفتن کار جلد هشتم، من مشغول کار روی جلد یازدهم شدم با همکاری بسیاری از دوستان. کار آماده‌سازی این سه جلد، با هم پیش می‌رود. نکته دیگری که در این جا لازم است خدمت شما بگویم. این است که وقتی که در سال ۱۳۵۸ کار را شروع کردیم، شرایط بسیار سخت این فرهنگ‌نامه را دست کم گرفته بودیم. البته درست است که ما نیمی از پنج هزار مورد از این فرهنگ‌نامه را که مربوط به ایران، تاریخ ایران و اسلام، ادبیات فارسی و تمام جغرافیای ایران بود، این‌ها را در نظر گرفته بودیم، ولی الان بعد از این مدت تجربه، به این نتیجه رسیده‌ایم که ایران خیلی بیش از این‌هاست. یکی از مهمترین طرح‌هایی که آغاز کردیم، کار اولیه در مورد بزرگان علم و ادب هنر ایران است، ما در بررسی کلی که کردیم در مورد این که کدام یک از بزرگان علم و ادب ایران را در فرهنگ‌نامه، به نسل جوان کشور معرفی می‌کنیم، رسیدیم به حدود ۳۷۰ مقاله، ولی خیلی بیش از این‌هاست. بسیار بسیار بیش از این‌هاست. به خصوص توجه کردیم به تمام بزرگان معاصر ایران که در شکل دادن به فرهنگ این سرزمین، نقش عمده‌ای دارند. منظورم فرهنگ و ادبیات و تاریخ و تحقیقات و بخش‌های دیگری که ما خیلی کم‌تر می‌شناسیم. احساس همگی ما در فرهنگ‌نامه، این است که بدون شک، به ۳ برابر این مقدار خواهیم رسید؛ به خصوص اگر دوره معاصر را بخواهیم به فرهنگ‌نامه اضافه کنیم.

فرهنگ‌نامه، بنیاد بسیار زنده و در حال تحولی است که هریک از نویسندگان، ویراستاران و محققانی که در این زمینه کار می‌کنند، نقش بسیار سازنده‌ای در کار این فرهنگ‌نامه دارند و به همین علت است که مدام در حال پرس و جو، جست‌وجو، پژوهش و مطالعه و نگاه به همه جوانب زندگی در قرن بیست و یکم هستیم و همان قدر به رشته‌های جدید علم توجه می‌کنیم که به یافته‌های باستان‌شناسی در ایران.

در هر حال، نگاهی داریم به آینده و آن چه ما را بسیار خوشحال می‌کند، این است که یک گروه صدف‌نری از کودکان و نوجوانان کشور، ما را در این کار همراهی می‌کنند.

معمولاً وقتی دچار مشکلی در زمینه فرهنگ‌نامه می‌شویم، اولین کاری که می‌کنیم، این است که مشکل را با شورای مشورتی کودکان و نوجوانان فرهنگ‌نامه در میان می‌گذاریم. شاید شما فکر کنید که در طی این بیست و سه سال و حالا که هفت جلد از فرهنگ‌نامه چاپ شده و جلد هشتم را می‌بریم به زیر چاپ، چگونه توانستیم به کارمان ادامه دهیم. من فقط این جا یک نکته را می‌خواهم خدمت شما عرض بکنم. ما از اون اول هم در شوره، روی

نیروی داوطلب کار کردیم، ولی همه چیز را که نمی‌شود به صورت داوطلبانه حل کرد. مثال خیلی قشنگی ما هر از گاهی با همدیگر رد و بدل می‌کنیم می‌گوییم که دچار مشکل مالی شدیم نترسیم، البته، ما هر وقت دچار مشکل مالی می‌شویم، به خودمان می‌گوییم که نباید ترسید؛ چون خودش حل می‌شود! معمولاً سازمان و دوستانان فرهنگ‌نامه، با فعالیت‌های گسترده‌ای که انجام می‌دهند، به کمک ما می‌رسند و مسائل و مشکلات ما را حل می‌کنند. احساس‌مان این است که در وجود مردم این سرزمین، شناختی از فرهنگ ریشه دوانده

پرسشی دارند، طرح کنند. خانم میرهادی، دوستان می‌گویند، آیا از گروه‌های دیگر کسی نمی‌خواهد توضیح‌های فنی‌تری ارائه بدهد.

یکی از اعضای شورا: نکته‌ای که من می‌خواهم خدمت دوستان عرض کنم، این است که در شورای اجرایی فرهنگ‌نامه، دوستانی حضور دارند که هر کدام به سهم خود، نقشی برعهده گرفته‌اند. بحث «شرکت» است که ویژگی خاصی دارد. در سایر کشورها معمولاً وقتی که این نوع آثار پدید می‌آید، خود مؤسسه‌ای که پدیدآورنده است، خودش هم اثر را منتشر می‌کند. البته، در مورد فرهنگ‌نامه چنین



که نمی‌گذارد فرهنگ‌نامه، در مسیر کارش لنگ بماند. من صحبتی داشتم با گروهی از نویسندگان جدیدی که به ما پیوستند و با هم کارگاه نویسندگی داشتیم. گفتیم، شما می‌توانید تاریخ شروع کار فرهنگ‌نامه کودکان و نوجوانان را به عنوان تنها اثر تألیف شده که منطبق است با نیاز نسل جوان این کشور، مشخص کنید، ولی تاریخ اتمامش را نمی‌توانید. به دلیل این که به جلد ۲۴ که رسیدیم، باید از جلد اول کار ویرایش بعدی را شروع کنیم و مثل هر دایرةالمعارف بزرگ دیگر دنیا، هر دو سال یک بار مجبوریم تمام مقاله‌ها را زیر و رو و روزآمد کنیم و کاستی‌های آنان را برطرف سازیم. بنابراین، گمان نمی‌کنم که این کار، هرگز تمامی داشته باشد. متشکرم.

بکایی: با تشکر از خانم میرهادی، دوستان اگر

نیست، سال‌ها پیش، زمانی که جلد اول آماده شد و متوجه شدیم که امکانات مالی برای نشرش نیست، شرکت فرهنگ‌نامه هم پدید آمد که نهاد مهمی محسوب می‌شود.

مثل خود فرهنگ‌نامه که تجربه جدیدی است. کسانی که به مباحث نهادشناسی در ایران علاقه‌مند هستند؛ می‌توانند از این تجربه برای ارتقای کارهای انفرادی به کارهای جمعی، خیلی استفاده کنند. اساساً این اتفاق از نظر تاریخی، بسیار پراهمیت است. فقط بگویم که هیچ کدام از این طرح‌ها، به آسانی ثمر نداده و تمام این‌ها دشواری‌های خاص خودش را داشته است. من خیلی خوشحالم که این توفیق را پیدا کردم که در این کار جمعی و گسترده، نقش کوچکی برعهده داشتم. در جریان چنین تجربه‌های گرانبغایی است که انسان منفی‌باف ایرانی، به انسانی



مثبت تبدیل می‌شود و به نظر سایرین احترام می‌گذارد و بیش از این که حرف بزند، گوش می‌دهد و تواضع را می‌آموزد. ما سال‌ها در کنار هم تمرین کردیم و فکر می‌کنم که موقعش رسیده که نهادهای گروه‌ها و افراد دیگر هم از این تجربه درس بگیرند. **بکایی:** عرض کنم به حضور دوستان عزیز که جامعه ما به علم دوستی خود مباحثات و افتخار می‌کند، اما وقتی به بحث کتاب علمی و نقد کتاب ماه می‌رسیم، دچار مشکلات عدیده‌ای می‌شویم. حالا دلایل متعددی می‌تواند داشته باشد.

یکی از اعضای شورا: من هم به عنوان یکی از افرادی که در این مجموعه سال‌هاست که داوطلبانه خدمت می‌کنند، در جمع حضور پیدا کردم و تشکر می‌کنم از همه شما بزرگواری که زمینه‌ساز برگزاری این نشست شدید. در دو زمینه می‌خواهم توضیحات مختصری بدهم. یکی بحث تصویر است در فرهنگ‌نامه و یکی مقوله خود کتاب مرجع. علت این که مقوله کتاب مرجع به ذهنم رسید، به پوستری مربوط می‌شود که در این‌جا نصب شده و روی آن نوشته شده «نخستین کتاب مرجع کودکان و نوجوانان». من گمان می‌کنم که می‌بایست در انتخاب این واژه‌ها و صفات دقت بیشتری داشته باشیم. من خودم را یک کتابدار می‌دانم و افتخار می‌کنم و متکی هستم و ارزش می‌گذارم به تمام کارهای پیشینیان. ابتدایی‌ترین کارها هم می‌تواند قابل استفاده باشد. حالا بنا به دلایلی، ممکن است کم مایه گذاشته و یا نتوانسته باشند کارشان را به معیارهای لازم و ضروری برسانند. ما قبلاً هم کارهای قابل توجهی داشتیم؛ مخصوصاً در زمینه ترجمه. الان هم در کنار این فرهنگ‌نامه، چندین کار ترجمه‌ای خوب هم داریم. به هر حال، پیش از فرهنگ‌نامه هم کارهایی انجام شده و به همین دلیل، عنوان «نخستین کتاب مرجع برای کودکان و نوجوانان»، خیلی بزرگ‌نمایی است.

بهرتر بود که گفته می‌شد، نخستین کتاب مرجع تألیفی برای کودکان و نوجوانان ایرانی ما هرچیزی را که خواستیم در فرهنگ‌نامه بیآوریم، از منظر بچه ایرانی دیدیم.

در کتابهای ترجمه، این نکته مهم در نظر گرفته نمی‌شود، ولی در دایرةالمعارف ما این منظر تعریف می‌شود. کلاً دایرةالمعارف‌های غربی، دیدگاهی استعماری دارند و این مسئله مهمی است. ما فقط آن چه را به ایران مربوط می‌شود، در این فرهنگ‌نامه نیآوریم، بلکه کوشیدیم به گونه‌ای عمل کنیم که بچه‌های ایرانی، برای عمران و آبادی کشورشان تلاش بیشتری بکنند. بعضی‌ها معتقدند که مسیر حرکت ما کند است. می‌گویند شما کندکار می‌کنید. دلیلش این است که ما باید از خلاقیت، ذهنیت، تفکر و امکانات نویسندگان و متفکران ایرانی استفاده بکنیم، نه آن که فقط با توانایی و زبردستی خاصی، ترجمه کنیم. البته، آن هم کار خاصی است، ولی

همان طور که گفتم، این‌جا بحث تألیف در میان است. کتاب مرجع، فقط مجموعه‌ای از اطلاعات نیست. اگرچنین می‌بود، می‌گفتیم کتاب دانستی‌ها. البته، بحث کتاب مرجع، مخصوصاً کتاب مرجع کودکان و نوجوانان، بسیار دراز دامن است و امیدوارم نشست خاصی برای بحث در این مورد در نظر گرفته شود.

اما نکته دیگری که می‌خواستم بگویم، بحث تصویر و چگونگی استفاده از آن در فرهنگ‌نامه است، البته در پوستر، عنوان شده که در قالب نوشته و «عکس». ما کتابدارها طبقه‌بندی دیگری داریم. «عکس»، بخشی از «تصویر» است و در واقع، نوعی از تصویر به حساب می‌آید. بنابراین، باید گفته شود در قالب نوشته و تصویر. عکس و دیگر انواع تصویر هم به نوعی بیانگر هستند. به دلیل آن که از راه تصویر، تفهیم اطلاعات می‌شود به خوانندگان. شما اگر جلد پنجم را باز کنید، در مدخل اینترنت، یکسری تعریف آمده برای نوجوان و کودک ده یا مثلاً چهارده سال به بالا. اما فقط متن نیست. بلکه تصویرهایی نیز در این مدخل وجود دارد که به خوبی اطلاع‌رسانی می‌کند. در همه جای دنیا در کتاب‌های مرجع، از تصویر استفاده می‌کنند. خوشبختانه، آقایان بلوچ (هم پدر و هم پسر) این‌جا حضور دارند. این عزیزان، در کار تصویرسازی فرهنگ‌نامه، به ما یاری می‌رسانند و فوق‌العاده کار ظریف و دقیقی می‌کنند. اما ببینیم روال ما در فرهنگ‌نامه، برای استفاده از تصویر چه بود؟ در این مورد، آمدم در ارتباط با هر مدخل، شروع کردیم به جست‌وجو در این راه، مجموعه‌ای از تصویر فراهم آمد. کار هر مدخل که تمام می‌شد، می‌رفتیم سراغ مدخل دیگر. یک دفعه متوجه شدیم که در کتابخانه‌مان، تعداد زیادی کتاب قرضی داریم. البته، بعضی از این کتاب‌ها به ما هدیه شده بود و یا خودمان خریده بودیم.

مشکل این بود که هر بار باید تمام این کتاب‌ها ورق زده می‌شد تا عکس و تصویر مناسبی برای مقوله موردنظر، پیدا می‌کردیم. سرانجام، هیأت مدیره سال گذشته، تصویب شد که این واحد سامان‌دهی شود و آرشیوی تصویری برای فرهنگ‌نامه تدارک دیده شود. در یک برآورد اولیه، معلوم شد که تقریباً ۱۴ هزار تصویر باید در این آرشیو وجود داشته باشد. این البته، بار مالی قابل توجهی دارد، اما اگر میزان پرداختی این کار را بگویم، شاید بگویند که اصلاً شماها دارید نرخ شکنی می‌کنید. این که فقط هزینه پول تاکسی رفت و برگشت دوستان می‌شود!

البته، عده‌ای از کتابدارها به کمک ما شتافتند و یکی یکی منابع تصویری ما نامسازی شد با نرم‌افزارهای خیلی خوب و اهدایی و مطابق اصول و استاندارد. به هر حال، دوستان جور ما را کشیدند. بد نیست یادی از آن‌ها کنیم؛ مخصوصاً دوستان شرکت پارس رخس که این‌ها را اهدا کردند. الان که چند

ماهی از تصویب طرح گذشته، تقریباً ۷۵ درصد کار انجام شده است و به راحتی می‌تواند تصاویر را بیابند. به هر حال، این توضیحاتی بود که به ذهن من رسید و خدمت شما عرض کردم.

بکایی: خیلی متشکریم. دوستان دیگر اگر توضیحاتی درباره بخش‌های دیگری از فرهنگ‌نامه دارند، می‌شنویم.

یکی از اعضای شورا: شما در دستور جلسه گفتید، نقد فرهنگ‌نامه، ولی صحبت‌ها امروز بیشتر معرفی فرهنگ‌نامه بود. من خواهش می‌کنم برگردیم به دستور جلسه و انتقادهایی را که به فرهنگ‌نامه هست، بشنویم. به نظرم می‌رسد که اگر از بین مترجمانی که فرهنگ‌هایی را در این سال‌ها ترجمه کرده‌اند و یا بعضی از دست‌اندرکاران آموزش و پرورش و نیز از نویسندگان کودک و نوجوان، در این جا حضور می‌داشتند، جلسه پربارتر می‌شود.

بکایی: این نشست ششم ما در مورد کتاب‌های علمی آموزشی است. ما در نشست‌های قبلی، دعوت نامه‌های فراوانی فرستادیم برای مراکز مختلف، برای این نشست هم دعوت‌نامه‌های متعددی فرستادیم. در هر حال گمان می‌کنم بخش معرفی فرهنگ‌نامه کافی باشد. بهتر است بپردازیم به بخش پرسش و پاسخ.

یکی از حضار: ببخشید، اما قبل از پرسش و پاسخ، بخش دیگری که باید به آن بپردازیم، بخش ترویج فرهنگ‌نامه است. ما در دوره‌های زندگی می‌کنیم که برای همه پدر و مادرها یا معلم‌ها، این امکان وجود ندارد که پاسخگوی همه نیازهای بچه‌ها باشند. طبیعی است که کتاب مرجع باید چنین نقشی را برعهده بگیرد. ما ۱۸ میلیون دانش‌آموز داریم؛ یعنی ۱۸ میلیون سؤال‌کننده داریم، ولی قبلاً هیچ کتاب مرجعی نداشتیم. خب، این کمبود با فرهنگ‌نامه‌ای که در حال تولید است، امیلواریم پرشود. اما باید ببینیم آیا این تیراژی که فرهنگ‌نامه در آن منتشر می‌شود، جوابگوی این ۱۸ میلیون دانش‌آموز هست؟ بنابراین، فرهنگ‌نامه، هنوز نقش خودش را به صورت کلان، در آموزش و پرورش و برای دانش‌آموزان این سرزمین به عهده نگرفته است و چیز دیگری هم نیست برای جوابگویی به پرسش‌های بچه‌ها. به خصوص در سال‌های اخیر، طرح پژوهش دانش‌آموزی، در مدارس اجرا می‌شود که احتیاج به مرجع دارد. به هر صورت، برای ترویج فرهنگ‌نامه، گروهی به نام گروه ترویج تشکیل شد که این‌ها در مناطق ۲۰گانه تهران، فعالیت می‌کنند. اعضای این گروه به مدارس می‌روند و به صورت کارگاهی و عملی، آن‌ها را با فرهنگ‌نامه آشنا می‌کنند. شاید حدود ۲۰ هزار دانش‌آموز، از این طریق با فرهنگ‌نامه آشنا شده باشند. این‌ها قاعدتاً استفاده‌کننده این کتاب مرجع هستند. با وجود این هنوز خیلی فاصله داریم با آن ۱۸ میلیون نفر که گفتیم.

یکی از اعضای گروه ترویج فرهنگ‌نامه: در مورد ترویج فرهنگ‌نامه، باید بگویم که به کانال‌های ارتباطی گوناگون و متعددی نیاز هست. مثلاً همین کتاب ماه می‌تواند مؤثر باشد. ما سعی می‌کنیم به کمک شما دوستان، این ارتباط‌ها را بیشتر کنیم.

بکایی: خب، اگر توضیح دیگری نیست، وارد بخش سؤال می‌شویم. من خودم چند سؤال دارم...
باقرزاده: عذر می‌خواهم. بنده مسئول شرکت فرهنگ‌نامه کودک و نوجوان هستم. توضیحاتی دارم در مورد چگونگی شکل‌گیری این شرکت که بد نیست به اطلاع دوستان برسانم.

بکایی: تشکر می‌کنیم از آقای باقرزاده. بعد از این که دوستان، سؤال‌های‌شان را عنوان کردند، در خدمت شما خواهیم بود.

نوروزی: خدمت دوستان ارجندم عرض کنم که در مورد این جلسه، دست‌کم برای ۱۰۰ نفر از دوستان، به جز اعضای شورا دعوت‌نامه فرستادیم. با بیش از ۵۰ نفر تلفنی هماهنگ کردیم و به تعدادی از دوستان هم این چند جلد فرهنگ‌نامه‌ای را که شورا در اختیار کتاب ماه گذاشته بود، دادیم. حتی برای سردبیران نشریات رشد و تقریباً ۴۰ ناشر که در زمینه چاپ کتاب‌های علمی و یا کمک‌آموزشی فعال هستند، دعوت‌نامه فرستادیم که متأسفانه، استقبالی نشد.

بکایی: دست شما درد نکند آقای نوروزی، ما البته از رو نمی‌رویم و باز هم برای دوستان دعوت‌نامه می‌فرستیم! گویا خانم میرهادی می‌خواهند نکته‌ای را عنوان کنند.

میرهادی: می‌خواهم بگویم که نقد فرهنگ‌نامه، کار آسانی نیست واقعاً. اگر شما در روند شکل‌گیری یک مقاله در فرهنگ‌نامه باشید، آن وقت می‌بینید با چه وسواس و دقتی، روی تک تک کلمات آن کار می‌شود تا مستند نباشد و پشتش یک سند محکم نداشته باشد و تا یک متخصص، آن را تأیید نکرده باشد، به هیچ‌وجه جایی در فرهنگ‌نامه نمی‌تواند داشته باشد. البته، ما فکر نمی‌کنیم که کار ما بدون اشتباه و یا خطا باشد. برای مثال، وقتی جلد اول چاپ شد، یکی از دوستان خوب ما به نام مهندس حبیبی به من زنگ زد و گفت شما در مقاله «آقامیرک» دو تا آقامیرک را با هم مخلوط کرده‌اید! وقتی از ایشان پرس و جو کردم، لطف کردند و تمام اسناد لازم را برای ما فرستادند و این اشتباه در چاپ دوم جلد اول، تصحیح شد. خب، چنین تذکراتی واقعاً برای ما ارزشمند است و استقبال می‌کنیم.

یکی از حضار: اساساً نقد کتاب‌های مرجع، به دو شکل انجام می‌شود. یکی نقدی است که کتابدارها می‌کنند که نقد کلی محسوب می‌شود و یکی نقدی که متخصصان می‌کنند و نقد جزئی است. در نقد جزئی، متخصصان وقت صرف می‌کنند. مثلاً در شماره اخیر جهان کتاب، مطلبی دیدم در مورد مدخل ابوریحان در دایرةالمعارف بزرگ اسلامی. بحث‌شان

این بود که این مقاله، بیشتر براساس منابع خارجی نوشته شده و به تحقیقاتی که این جا صورت گرفته، بی‌اعتنایی کرده است.

یکی از اعضای گروه فرهنگ‌نامه: به هر حال، هر نقدی به هر مقاله‌ای در هر دایرةالمعارف، اثری برای ما دارد و به ما کمک می‌کند تا کارمان را بهتر کنیم. من فکر می‌کنم اولین نقد موضوعی که بر دایرةالمعارف مصاحب انجام شده شاید ۱۵ یا ۱۰ سال بعد از چاپ آن بود. هیچ تردیدی نیست که دایرةالمعارف مصاحب اتفاق فرهنگی مهمی است در کشور ما؛ مخصوصاً جلد اولش. متأسفانه، جلد دوم و جلد سوم آن با اشکالات عدیده‌ای چاپ شد و امیلواریم این مرد بزرگ، یک بار چاپ کامل و مناسبی از این اثر ارائه دهد. باری، نقد دایرةالمعارف در موضوع خاص، امکان‌پذیر است. در واقع، باید روی مثلاً مقالات گیاه‌شناسی و یا مقالات زیست‌شناسی، کار جداگانه باید بشود. چنین نقدی وقت می‌برد و چندان آسان به دست نمی‌آید. من اخیراً صحبتی داشتم با آقای ناصری که خودشان هم این جا هستند. ایشان روان‌شناسی خوانده‌اند و در مورد بحث میان رشته‌ای نکات جالبی عنوان کردند. این بحث میان رشته‌ای در روزگار ما یک بحث بسیار مهم است که حناقل سودی که دارد، نگاه کردن به موضوع، از دو دیدگاه است. می‌خواهم بگویم که در فرهنگ‌نامه، این نگاه رعایت شده است و ما روابط بین رشته‌های گوناگون را در نظر داشته‌ایم. برای مثال، ما مقاله در مورد ازدواج داریم یا در مورد ارث که این‌ها هم در مبحث حقوقی هم در مبحث مردم‌شناسی می‌گنجد. مقالاتی داشتیم که هم به زیست‌شناسی مربوط می‌شود و هم به کشاورزی اگر خانم میرهادی، اشاره کردند که روی تک تک کلمات دقت شده و به قولی ذره‌بین گذاشته شده، واقعاً همین طور هم بوده. خود دکتر و خانم انصاری، دکتر هوری و مهندس پاروکی افرادی هستند که واقعاً ذره‌بین به دست گرفته‌اند و مقاله و نوشته‌ها را بررسی می‌کنند. در واقع، با کوشش جمعی گروه‌ها و افراد مجموعه است که این نوشته‌ها شکل نهایی خودش را می‌یابد. مضافاً که خواننده و مخاطب ما کودک و نوجوان است و در نتیجه، نوشته‌ها باید جاذبه کلامی داشته باشد.

باقرزاده: به گمانم حدود ۱۶ سال پیش بود که بحث تشکیل شرکت در جلسات شورا مطرح شد و خانم میرهادی، بنده را مأمور سر و سامان دادن به این کار کردند. بنده با دوستان ناشر تماس گرفتم، از جمله با مرحوم طهوری، نشر سپهر، گوهر و... گفتیم که شاید در این کار سودی نباشد، اما بیایید این شرکت را برای چاپ فرهنگ‌نامه تشکیل بدهیم. خوشبختانه، دوستان پاسخ مثبت دادند و این اتفاق افتاد. خب، این کار برای کودکان و نوجوانان این کشور است و به فداکاری نیاز دارد که دوستان هم کم نگذاشتند. با ۸ میلیون تومان شروع کردیم و هرکس برای اعضای خانواده خودش، سهمی خرید و شرکت شکل گرفت و تا الان، باور کنید هیچ سودی حاصل نشده. با

زحماتی که دوستان کشیدند، از جمله آقای مانی، سرانجام، آموزش و پرورش این فرهنگ‌نامه را به عنوان یک کتاب مرجع پذیرفته است. در روزنامه خواندم که ۱۰۰ یا ۲۰۰ هزار نمایشگاه کتاب، در آموزش و پرورش تشکیل خواهد شد. با این فعالیت‌ها و مساعدت دوستان در وزارت آموزش و پرورش، امیدواریم که این فرهنگ‌نامه به درستی ترویج و معرفی بشود.

اکرمی: ضمن تشکر از دست‌اندرکاران تهیه فرهنگ‌نامه، همان‌طور که جلدهای بعدی آن آماده و چاپ می‌شود، سؤالی که در ذهن من است، پررنگ‌تر می‌شود. احساس می‌کنم این فرهنگ‌نامه، برای کودکان نیست؛ با این که روی جلدش عنوان فرهنگ‌نامه کودک و نوجوان درج شده است، احساس می‌کنم کودک و نوجوان ما منتظر یک فرهنگ‌نامه جدید هستند با تصاویر مشخص برای کودکان. می‌دانیم که تصویر برای کودک، چه خصوصیتی دارد. اگر هم این فرهنگ‌نامه برای کودکان و نوجوانان باشد، برای کودکان و نوجوانان خاص است که تعدادشان زیاد هم نیست. به یاد روزهای بچگی‌ام که می‌افتم، می‌بینم آن فرهنگ‌نامه‌ای که در سال ۱۳۳۶ چاپ شد با کمک سازمان کتاب‌های جیبی انتشارات فرانکلین، خیلی لذت می‌بردم از نقاشی آقای پرویز کلانتری یا نقاشی آقای زرین‌کلک، در آن فرهنگ‌نامه، نقاشی زیاد بود. با این که این فرهنگ‌نامه، بیشتر با دنباله‌روی از ادبیات غرب تدوین شده بود، ولی به لحاظ تصویری خیلی به روحیه ما نزدیک بود. ما چنین فرهنگ‌هایی داشتیم که البته، تألیفی نبود، غیر از جلد هفتم آن که در مورد ایران بود. نوع پرداخت مدخل‌ها به نظر من خیلی فرمایشی و کاملاً تابع سیاست روز بود. در هر حال، آن چه در فرهنگ‌نامه جلب توجه می‌کند، این است که تصاویر خیلی کم است. نگویید به دلیل هزینه، چنین شده است. مادر سال‌های اخیر، در مورد تصویرگری، گام‌های مهمی برداشته‌ایم. شاید فقط یک چهارم کل فرهنگ‌نامه تصویر باشد. منتقد به اصول کار توجه می‌کند و اصلاً نمی‌پذیرد که به بهانه هزینه سنگین، ضعف‌ها را نادیده بگیرد. من فکر می‌کنم که فرهنگ‌نامه، به لحاظ تصویری، در حد عکس مانده باشد. دلم می‌خواهد وقتی فرهنگ‌نامه را ورق می‌زنم، از هر چهار صفحه، دو صفحه نقاشی شده باشد. نمی‌شود که در کاری به این اهمیت، تصویرگران و نقاشان ما هیچ نقشی نداشته باشند. یادمان باشد که ادبیات کودک و نوجوان، با تصویرگری درآمیخته است و این فرهنگ‌نامه هم قرار بوده که برای این مخاطبان باشد.

میرهادی: سال‌هاست عده‌ای می‌گویند که این فرهنگ‌نامه برای کودکان مناسب نیست. ولی تجربه معلم‌ها و بچه‌ها چیز دیگری می‌گوید. هنگامی که سر کلاس اول ابتدایی، معلم این فرهنگ‌نامه را با بچه‌ها کار کرده، جواب مثبت گرفته و بچه‌ها را بسیار

علاقه‌مند دیده. بچه‌ها اطلاعات جالبی از تصاویر و زیرنویس تصاویر می‌گیرند. بنابراین، این فرهنگ‌نامه واقعاً برای کودکان مناسب است. دومین نکته‌ای که می‌خواهم به آن اشاره کنم، این است که کتاب مرجع، کتاب هنری نیست. کتاب مرجع، جواب‌گوی پرسش‌هاست. اگر بخواهیم به آن بعد هنری بدهیم، بعد اطلاعاتی دچار مشکل خواهد شد. تخیل تصویرگر هم البته، سر جای خودش خواهد بود. شما صبر کنید تا به مقوله ادبیات کودکان و نوجوان برسیم و بعد ببینید چه تصاویری انتخاب می‌شود. در جلد هشتم فرهنگ‌نامه، خواهید دید که چه انتخابی از تصویر برای کودکان و نوجوانان این کشور شده. فراموش نکنیم که کتاب مرجع، ویژگی‌های بسیار خاصی دارد. من بقیه این صحبت را می‌سپارم به خانم فخاری‌نیا که با تحقیق خود، این مسئله را که آیا این کتاب برای کودکان و نوجوانان هست یا نیست، مشخص کردند. بله، در حین انجام کار، توجه ما را به این نکته جلب کردند که کار برای کودکان و نوجوانان، مشکل و سخت شده. نه این که از اول، این جور بوده باشد، بلکه به مرور چنین شده. به این ترتیب، تصمیم گرفتیم تحقیقی درباره این موضوع انجام بدهیم. در واقع، قرار شد با طرح سؤالاتی در بین بچه‌ها ببینیم کدام مقاله‌ها برای آن‌ها دشوار است. در جریان این تحقیق، مشخص شد که بعضی واژه‌ها و مفاهیم برای بچه‌ها دشوار و سخت است. خلاصه، تصمیم گرفتیم در این مورد جدی‌تر باشیم. در این روند، رفیق سرآغ پژوهشی در این زمینه که مربوط به سنجش خوانایی است. ایشان دو قاعده و فرمول ارائه می‌دهند برای سنجش خوانایی. براساس این پژوهش، تحقیق بسیار وسیع‌تری روی جلد ۶ فرهنگ‌نامه انجام دادیم. ما از مجموعه ۶ جلد ۲۶۱ مقاله انتخاب کردیم و از هر مقاله، مطابق آن دستور، یک بند ۱۰۰ کلمه‌ای را بیرون کشیدیم و مشخصات کامل آن را نوشتیم و نتایج تحقیق را به طور دقیق محاسبه و واژه‌های سخت را با نظرسنجی از بچه‌ها مشخص کردیم. بعد از این که آمار را درآوریم، شروع کردیم به پردازش و نتیجه‌گیری کردن و بعد اعداد به دست آمده را گذاشتیم در فرمول خوانایی‌سنجی. نتیجه‌ای که از این تحقیق به دست آمده به ما نشان می‌دهد که شیوه کار ما و حاصل آن برای این گروه سنی مناسب است. در شیوه‌نامه نوشتن مقاله‌ها توصیه شده که بند اول مقاله، مخصوصاً آسان‌تر باشد. دلیلش این است اگر بند اول برای مراجعه‌کننده سخت باشد، از خواندن ادامه آن سر باز می‌زند، او جوابی فوری می‌خواهد و بنابراین، بند اول بسیار مهم است و باید آسان‌ترین بند نوشته باشد. بعد گسترش می‌یابد و ممکن است کمی سخت‌تر بشود. در مقاله‌های علمی و تخصصی، حجم اطلاعاتی که داده می‌شود و نیز خصوصیات فنی اطلاعات، کار را دشوار می‌کند. هر چند ما در تحقیق خود، بند اول را انتخاب نکردیم و از بندهای

بعدی هم جمله‌های گوناگونی در نظر گرفتیم. از جمله این که بعضی جملات بلند را لحاظ کردیم که پیچیده‌تر است. نکته دیگر این که تحقیق ما بیشتر متوجه قالب و نحو جمله‌ها بود تا محتوای آن‌ها. این امر تحقیق جداگانه‌ای را طلب می‌کند. در هر حال، من فکر می‌کنم به نکته‌ای که اکرمی اشاره کردند، خیلی باید توجه کنیم. در مقدمه جلد اول فرهنگ‌نامه هم نوشته شده مخصوص ده تا شانزده سال، پس ما باید نکته مورد نظر آقای اکرمی را خیلی جدی بگیریم. از جمله مأموریت‌هایی که از طرف شورا به بنده واگذار شده، بررسی کتاب‌های مرجع برای کودک و نوجوان است که متأسفانه، کودک ما چیزی ندارد. آن‌هایی هم که هست، تمام ویژه جوانان است؛ جز دو کتاب کوچک و ازده‌نامه که سال‌ها پیش درآمد. اما در مورد نقاشی، من فکر می‌کنم آقای بلوچ، خوب می‌توانند این جا یادآور شوند که ما هم در این مجموعه، کار نقاشی داریم. تمام گیاهان و آناتومی انسان و محیط زیست، به صورت نقاشی است؛ البته نقاشی علمی و نه کارتونی. گروهی که زیر نظر آقای بلوچ کار می‌کنند، این کار را انجام می‌دهند. ایشان البته، بهتر از من می‌توانند در این باره توضیح بدهند.

یکی از حضار: من می‌خواهم بگویم در مورد مخاطبان فرهنگ‌نامه که چرا سقف را شانزده سال در نظر گرفته‌ایم؟ آیا پدر و مادرها و معلم‌ها جزو مخاطبان این فرهنگ‌نامه نیستند؟ معلم‌ها و پدر و مادرهای ما استفاده‌ای که از این کتاب می‌کنند، واقعاً مؤثر است. البته، آن‌ها فرهنگ‌نامه را برای پاسخ‌گویی به سوالات بچه‌هاشان می‌خواهند. بنابراین، بالاتر از شانزده ساله‌ها هم از آن استفاده می‌کنند. البته، ممکن است گفته شود که در این صورت، این فرهنگ‌نامه، هیچ تفاوتی با کتاب‌های مرجعی که برای بزرگسالان نوشته می‌شود، ندارد. البته، در این جا واژگان پایه گروه سنی ۱۰ تا ۱۶ ساله مطرح است. به هر صورت، گمان می‌کنم این اطلاعات را یک نفر بزرگسال به راحتی می‌تواند از فرهنگ‌نامه بگیرد و به کودکان و نوجوانان منتقل کند. دیگر لازم نیست این کاری که این گروه ۲۵۰ نفره دارند در فرهنگ‌نامه انجام می‌دهند که اول اطلاعات را برمی‌دارند و خورند دانش‌آموزان می‌کنند و سپس به دست آن‌ها می‌رسانند، انجام شود.

انصاری: من می‌خواهم به نکته دیگری اشاره بکنم. منابع بزرگسالان، اطلاعات را فشرده می‌دهند؛ خیلی مختصر و مفید و شما کافی است که یک مقاله را در دایرةالمعارف فارسی، با مقاله‌ای در فرهنگ‌نامه کودکان و نوجوانان مقایسه بکنید. خواهید دید که نوع انتخاب مطالبی که در دایرةالمعارف آمده، خیلی محدود و خیلی فشرده و با اصطلاحات زبانی بزرگسالان است و در واقع، فقط نیاز بزرگسالان را برآورد. مثلاً شما به دانش‌نامه جهان اسلام که نگاه می‌کنید، دیدگاه‌های محققان مختلف را طرح می‌کند



که مثلاً فلان محقق، در کتابی چنین گفته و آن یکی در کتاب دیگری چنان. بنابراین، این فشردگی و محدودیت اطلاعات چنین منابعی را برای کودکان و نوجوانان غیرقابل استفاده می‌کند. نوع سوالی که بچه‌ها می‌کنند، خیلی فرق دارد. با نوع سوالی که بزرگسالان می‌کنند. نوع اطلاعاتی که بچه‌ها به دنبال هستند، فرق می‌کند با نوع مطالبی که یک بزرگسال می‌خواهد. خیلی اوقات به نویسندگان ما توصیه می‌شود که وقتی می‌خواهید مقاله‌ای را شروع کنید، ببینید بچه‌ها چه سوالاتی دارند و برای کدام سوالات می‌آیند سراغ چنین مقاله‌ای و سعی کنید جواب این سوالات، در محتوای مقاله شما باشد. به همین دلیل هم هست که اصلاً نوع مقاله‌های ما چیز دیگری است و فرق می‌کند با مقاله‌های دایرةالمعارف دیگر. نکته‌ای دیگر که من باید خدمت شما عرض بکنم، این است که رسیدن به مطالب مناسب بچه‌ها واقعاً دشوار است. همین باعث می‌شود که مدام نظرخواهی کنیم و بپرسیم تا سرانجام، بتوانیم درست‌ترین جواب را برای بچه‌ها پیدا بکنیم. یک مثال می‌زنم، وقتی می‌خواهیم برای بچه‌ها توضیح بدهیم که چه طور شد که شهر بزرگ جندی‌شاپور از بین رفت، واقعاً کاری سخت و طاقت‌فرساست. بله، منابع مختلف هر کدام چیزی می‌گویند، اما رسیدن به یک جواب قانع‌کننده، این قدرها هم آسان نیست. باید مستند و دقیق و قابل قبول باشد. جهت‌گیری ما در فرهنگ‌نامه، معطوف به تمام این ملاحظات است.

انصاری: نکته اول این که آقای اکرمی در صحبت‌شان به سال ۱۳۳۶ اشاره کردند که باید تصحیح بکنم که منظور سال ۴۶ است. نکته دیگر را آقای باقرزاده گفتند که آموزش و پرورش باید این فرهنگ‌نامه را تهیه کند. در این مورد باید بگویم قیمتی که الان پشت جلد این کتاب‌ها خورده، پایین‌تر از قیمت واقعی آن است. حالا اگر نهادهای مراکز و مراکز آموزش و پرورش، بخواهند این‌ها را بخرند،

چون معمولاً تخفیف قابل ملاحظه‌ای می‌گیرند، کتابی که خود به خود زیر قیمت بوده، وقتی که قرار باشد ۳۰ تا ۳۵ درصد هم بهش تخفیف داده شود، اصلاً چه لزومی دارد که فروخته شود! شاید اگر آن را کادو بدهیم، بهتر باشد! این سازمان‌ها واقعاً متوجه این مسائل نیستند. این‌ها در عین حال که امکانات دارند و باید مشوق این جور فعالیت‌ها باشند، دنبال تخفیف گرفتن هستند! نکته دیگری می‌خواهم عرض کنم، این است که ما واقعاً در ایران، دایرةالمعارف دیگری جز همین فرهنگ‌نامه نداریم. دایرةالمعارف‌های دیگر، معمولاً ذیل عنوان اسلام قرار می‌گیرند و نه ایران.

حالا این که خود این کتاب‌ها واقعاً چه قدر به این عنوان وفادار بوده‌اند، نمی‌دانم. در هر حال، حتی بزرگسالان ما هم در مورد کتاب مرجع، در فقر به سر می‌برند، این که جایزه ترویج علم به فرهنگ‌نامه داده شده، به نظرم کار درستی بوده؛ چون این فرهنگ‌نامه واقعاً «کتاب خانواده» هر خانواده ایرانی باید باشد و چنین ظرفیتی هم دارد.

یکی از حضار: برای من این سؤال پیش آمده که معیار انتخاب اندازه حروف، قطع فرهنگ‌نامه چیست؟

بلوچ: شاید ۱۷ - ۱۸ سال پیش که شروع کار فرهنگ‌نامه بود، در اولین جلسه‌ای که ما نشستیم با مرحوم جهان‌شاهی و خانم میرهادی و دوستان و عزیزان دیگر هم بودند، قالب فرهنگ‌نامه ریخته شد و اندازه‌اش هم مشخص شد. هم‌چنین، نوع حروف، فونت‌های کوچک و بزرگ، فونت زیرنویس و... هم معلوم شد. این‌ها را در یک دستورالعمل آوردیم و تا امروز هم مطابق همان دستور، عمل کرده‌ایم. البته حروف چینی جلد اول، در واقع دستی انجام گرفته بود. ولی از جلد دوم، این‌ها را کامپیوتری کردیم. به هر حال، تعیین اندازه حروف، چیزی نبود که

کارشناسان نتوانند آن را مشخص کنند. این جا مخاطب ما گروه سنی معینی بود که به ویژگی‌های خاصی نیاز داشت.

سعی کردیم نرم‌افزاری را انتخاب کنیم که بشود بهترین و قشنگ‌ترین حروف را با آن تایپ کرد. اما موضوع دیگری که توسط آقای اکرمی عنوان شد در مورد تصویر، بد نیست من هم اشاره‌ای به آن داشته باشم. ما در فرهنگ‌نامه هم طرح‌های گرافیکی داریم، هم نقاشی، هم عکس و هم جدول و آمار. البته، در حوزه کتاب کودک و نوجوان، گاهی کارهای بسیار قشنگی انجام می‌شود که وقتی بچه لای کتاب را باز می‌کند، واقعاً لذت می‌برد. ما در فرهنگ‌نامه، البته چنین دامنه عملی برای خودمان قابل نشدیم و روال کار طوری است که باید مطابق آن پیش برویم و از جلد اول تا آخر، به همان صورت باشد. البته، هر بار که جلد تازه‌ای از فرهنگ‌نامه درمی‌آید، تغییراتی هم انجام می‌دهیم و کار را زیباتر می‌کنیم، ولی نمی‌خواهیم از آن فرم اصلی خارج بشویم؛ چون کل کار را به هم می‌ریزد. تا جایی که می‌شد حروف، فاصله‌ها، ستون‌بندی‌ها و... را تغییر دادیم تا کار بهتر از قبل بشود. نکته دیگر، این که من خودم آموزش و پرورش هستم و به همین دلیل، نمی‌خواستم در این مورد حرف بزنم. با وجود این، باید بگویم که مشکل آموزش و پرورش، قیمت نیست. مشکلش هیچ کدام از این چیزهایی که ما فکر می‌کنیم، نیست. من سال ۷۱ - ۷۰ خدمت آقای نجفی رسیدم. کتاب را دادم و ایشان موافقت کردند و نامه کتبی نوشتند که از بودجه کتابخانه‌های آموزشی، ۱۵۰۰ دوره از جلد اول و دوم فرهنگ‌نامه برای ۱۵۰۰ کتابخانه خریداری شود. متأسفانه، نتوانستیم بی‌بهریم که سرنوشت آن نامه چه شد! پارسال هم خدمت آقای علاقه‌مندان که بودم، جلد ششم فرهنگ‌نامه را دادم به ایشان و گفتم، شما هم تلاشی برای این کتاب بکنید که حداقل بفرستیم به مدارس. ایشان هم قبول کردند.



میرهادی: من باز هم می‌خواهم خدمت دوستانی که فکر می‌کنند فرهنگ‌نامه برای کودکان چهارم و پنجم دبستان مناسب نیست، توضیحی بدهم. ببینید، شاید تعداد مدخل‌هایی که به بچه‌های کلاس چهارم و پنجم دبستان مربوط می‌شود، کم باشد و به همین دلیل است که چنین نتیجه‌ای گرفته می‌شود. واقعیت این است که نوع انتخاب واژه‌ها، تقریباً براساس همان قاعده‌ای بوده که فی‌المثل آقای جهان‌شاهی، پایه‌اش را ریخته‌اند. البته، نمی‌خواهم بگویم که صددرصد موفق بوده‌ایم. شاید میزان توفیق ما ۹۰ درصد بوده باشد.

شیخ رضایی: گمان می‌کنم برای بررسی دقیق‌تر، به تحقیقات میدانی و نیز تحقیقات نظری نیاز باشد. برای ترویج و معرفی فرهنگ‌نامه هم شاید بشود در اینترنت، سایتی مخصوص آن ایجاد کرد و در آن جا، ویژگی‌ها و کاربردهای این کتاب را برای مراجعان توضیح داد و کلاً آن را معرفی کرد. حتی می‌شود این فرهنگ‌نامه را از طریق CD هم منتشر کرد و یا دست کم بخشی از آن را به این صورت ارائه داد. هم‌چنین، به نظرم کتاب ماه هم می‌تواند در این راه کمک کند. خوب، کتاب ماه بعضی کتاب‌ها را به منتقدان معرفی می‌کند تا اگر خواستند روی آن کتاب‌ها نقد بنویسند. این کار را می‌شود در مورد مقالات موضوعی فرهنگ‌نامه هم کرد. برای مثال، منتقدانی هستند که کارشان نقد کتاب‌های دینی است. می‌شود مقالات مربوط به این موضوع را در اختیارشان گذاشت.

میرهادی: خوب، این نکته‌ای که آقای شیخ رضایی به آن اشاره کردند، چندین بار و به صورت‌های گوناگون طرح شده، در بنیاد علم و هنر هم جلسه‌ای با حضور اعضای شورا تشکیل شد برای بررسی امکان تهیه نسخه الکترونیکی فرهنگ‌نامه.

البته، مشکلاتی که به نظر می‌رسد در این کار گریبان‌گیر شود، از جمله کپی کردن غیرقانونی از روی این نسخه‌ها... باید در نظر گرفته شود. اگر بخواهیم واقعاً چنین نسخه‌ای بیرون بدهیم، باید ویرایش جدیدی انجام شود و خلاصه، به مقدماتی نیاز دارد. خانم میرهادی صلاح ندیدند که فعلاً چنین کاری انجام شود. مشکل دیگری که می‌تواند بروز کند، این است که ما می‌توانیم در شکل کتاب و به صورت چاپی، فی‌المثل از تصاویر کتاب‌ها و منابع خارجی به راحتی استفاده کنیم و هزینه‌ای هم نپردازیم. می‌دانید که فعلاً ما تحت قانون «کپی رایت» عمل نمی‌کنیم. اما فکر نمی‌کنم که در نشر الکترونیک، نشود چنین کاری کرد. بدون تردید، اشکال پیش می‌آید و خیلی از این تصاویر را باید عوض کنیم و تصاویر دیگری جای آن‌ها بگذاریم که هزینه بسیار سنگینی طلب می‌کند. اخیراً یک دوره دوازده جلدی از یک دایرةالمعارف کویتی، در شورا هست که تصاویرش فوق‌العاده است. البته، آن‌ها برای این کار سرمایه عظیمی صرف کردند.

اما در مورد ایجاد یک صفحه مخصوص در سایت شورا، برای فرهنگ‌نامه، باید روی این پیشنهاد کار شود. اگر دوستان در این مورد همکاری کنند، حتماً موفق خواهیم شد. همین الان، خانم عماد و خانم انصاری، در این زمینه خیلی کمک‌مان می‌کنند. تجربه دیگران، گویای آن است که وارد شدن به فضای اینترنت، عموماً باعث شده که کتاب‌ها بیشتر به فروش برسد. در واقع، اصلاً مانع فروش کتاب‌ها نشده. با وجود این، باید اشاره کنم که امروزه، مقوله اینترنت و کلاً الکترونیک، به صورت مد درآمده. باید حواس‌مان باشد که هر چیزی به مقدمات خاص خودش نیاز دارد. نمی‌توان بدون فراهم کردن این مقدمات، همین جوری وارد هر چیزی شد. فرهنگ‌نامه کودک و نوجوان، تازه به جلد هفتم رسیده و هنوز زود است که از ارائه الکترونیکی

آن حرف بزنیم. از طرفی، خانم انصاری اشاره کردند که آرایه فرهنگ‌نامه به صورت CD، جزو اختیارات ناشر است، اما من باید بگویم (حالا که ناشر فرهنگ‌نامه هم این جا حضور دارند) که این طور نیست. آن جا هم اختیار با مؤلف و پدیدآورندگان فرهنگ‌نامه است.

مافی: این جا صحبتی شد در مورد وزارت آموزش و پرورش که لازم است توضیحی بدهم. حقیقت این است که این کتاب هنوز، آن طور که باید و شاید، به دست مخاطبانش نرسیده. شاید از بیش از ۸۰ درصد بچه‌های این دیار و حتی معلمین، از وجود این کتاب آگاهی کامل ندارند. بنابراین، رضایت سرکار خانم میرهادی و همکاران عزیز من، موقعی حاصل خواهد شد که این کتاب به دست مخاطبانش برسد، خوب این امر هم همکاری وزارت آموزش و پرورش را طلب می‌کند. زمانی که دکتر نجفی وزیر آموزش و پرورش بودند، من از طرف شورا، ملاقاتی با ایشان داشتم. گفتم اولین کتابی که وارد کتابخانه مدارس می‌شود، کتاب مرجع باید باشد. به دلیل ضرورت زمانی و بچه‌ها سؤالاتی دارند که معلم، بحرالعلوم هم که باشد، نمی‌تواند به همه آن‌ها پاسخ بدهد و علاوه بر این‌ها بچه‌ها باید یاد بگیرند که جواب سؤالات‌شان را از کتاب‌های مرجع پیدا بکنند. پاسخ معلم، ممکن است کافی نباشد یا ناقص باشد. حتی ممکن است جواب سؤال را نداند که این عیب نیست. پدر و مادر هم عاجزند.

پس ضروری است که در هر مدرسه، لااقل یک تا سه دوره از این کتاب وجود داشته باشد. دکتر نجفی، به نظر من آدم با حسن نیتی بودند. گفتند، من از کتاب فرهنگ‌نامه اطلاع کافی دارم و حتی دست بچه‌های من هم هست، ولی من که نمی‌توانم بخشنامه کنم فرهنگ‌نامه را بخرند. دیگران ایراد خواهند گرفت. من گفتم، منظورم فقط فرهنگ‌نامه نیست؛ بلکه اصولاً کتاب‌های مرجع مد نظرم بوده.

فرهنگ‌نامه هم یکی از این کتاب‌هاست. ایشان هم موافقت کردند. بعد با کمک خانم عماد، شورای معاونان تشکیل شد و آن‌ها هم خیلی همکاری کردند. متأسفانه، در مسیر حرکت، اشکالاتی بروز کرد. با وجود این، الان وضع عوض شده و با این که در تصمیم‌های اداری نوسان زیاد است، ما راضی هستیم؛ نه این که رضایت کافی داشته باشیم. حالا در نشریات وزارت آموزش و پرورش، از فرهنگ‌نامه اسم می‌برند و حتی جمعی از علاقه‌مندان، در حدود ۶۰۰ دوره خریدند که در مدارس که خودشان مایل بودند، توزیع شد. به افراد علاقه‌مند گفته شد، شما که نمی‌توانید به شورا در تألیف فرهنگ‌نامه کمک کنید، به نشر کمک کنید. مثلاً شما که در تبریز، به یک مدرسه دور افتاده می‌رفتید و از این مدرسه هم راضی بودید، به یاد آن

روزهایی که در آن مدرسه بودید، پنج دوره فرهنگ‌نامه بخريد و به آن مدرسه اهدا کنید. این فکر رواج پیدا کرد و الان ما می‌بینیم که در اقصی نقاط کشور و حتی در خارج، بعضی‌ها به ما می‌نویسند که پنج دوره کتاب، به فلان مدرسه در فلان ده کاشان بفرستید. این فکر خیلی پسندیده است و باید تعمیم یابد. وزارت آموزش و پرورش با ما همکاری کرد و این کتاب‌ها را تحویل گرفت و برای استان‌ها فرستاد و بخشنامه کرد که این کتاب را به فلان مدرسه تحویل بدهید. البته، کافی نیست و خود وزارت آموزش و پرورش هم باید بودجه‌ای در نظر بگیرد. برای خرید کتاب‌های مرجع. واقعاً مدارس به این کتاب‌ها احتیاج دارند. مدارس دور افتاده کشور، چنین امکانی ندارند که از معلمین بالاتر یا کتابخانه عمومی استفاده بکنند. بنابراین، سؤالات بچه‌ها بی‌پاسخ می‌ماند. به هر حال، موقعی رضایت نویسندگان و پدیدآورندگان فرهنگ‌نامه به دست می‌آید که این کتاب‌ها به مخاطبان‌شان که همان کودکان و نوجوانان کشور عزیزمان باشند، برسد.

یکی از حضار: به نظرم، آن بخشی از آموزش و پرورش که به مدارس غیرانتفاعی مربوط می‌شود، در دسترس‌تر باشد برای این طرح‌هایی که آقای مافی اشاره کردند. این مدارس تا حدودی می‌توانند آزادانه حرکت کنند.

اخوت: می‌خواهم عرض کنم که وقتی فرهنگ‌نامه، بعد از پشت سرگذشتن این موانع مهم، وارد مدرسه می‌شود، هنوز کار تمام نیست. من خودم شاهد بودم که وقتی فرهنگ‌نامه به مدرسه آمد، به جای این که در دسترس بچه‌ها قرار بگیرد، رفته داخل یک قفسه شیشه‌ای و درش هم قفل شده. وقتی اعتراض کردیم، گفتند که این کتاب گران قیمت است و اگر دست بچه‌ها بدهیم، خرابش می‌کنند!

دل‌م می‌خواهد از مدیرانی که این توفیق را داشتند که فرهنگ‌نامه به مدرسه آن‌ها وارد بشود، خواهش کنیم که آن را در اختیار بچه‌ها قرار بدهند. مورد دیگری داشتیم که کاملاً متفاوت بود. خانمی خیر در منزل‌شان، کتابخانه مجهزی درست کرده که شاید ۴۰۰ خانواده عضو آن باشند. این خانم، خودش شاید دیپلم هم نداشته باشد، اما این ۴۰۰ خانواده را پوشش می‌دهد. وقتی به منزل ایشان رفتیم، در کتابخانه‌شان دو دوره فرهنگ‌نامه دیدم که البته کامل نبود.

من گفتم که ما می‌توانیم کاملش کنیم. ایشان گفت که دوره فرهنگ‌نامه ما کامل است، ولی چون کتاب‌ها را امانت می‌دهیم الان دو سه جلد آن دست اعضاست. وقتی گفتم که هیچ کتابخانه‌ای

کتاب‌های مرجع را امانت نمی‌دهد، گفتند که نه تنها به بچه‌ها می‌دهم بپردازند، بلکه به تمام مدارس منطقه شهرری هم امانت می‌دهم و من دیدم کتاب‌ها خیلی صحیح و سالم برمی‌گردد و گفتند به بچه‌ها می‌گویم این کتاب را تمیز نگهدارید و واقعاً بچه‌ها کتاب را تمیز برمی‌گردانند.

از طرفی، یک بار به یک کتابخانه عمومی سر زدم و توی قفسه‌ها هر چه نگاه کردم، دیدم فرهنگ‌نامه اثری نیست. از خانم کتابدار پرسیدم، کتابی هست به نام دایرةالمعارف یا فرهنگ‌نامه کودک و نوجوان که می‌گویند جلدش سبزرنگ است، آیا شما این کتاب را دارید؟ گفتند، بله. گفتم، پس چرا توی قفسه نیست. گفتند، چون کتاب خیلی قطور و گران است، نمی‌توانیم دست کسی بدهیم!

اکرمی: من از خانم انصاری تشکر می‌کنم؛ چون سال تولد فرهنگ‌نامه کتاب‌های جیبی را با سال تولد خودم اشتباه گرفتم که ایشان تصحیح کردند. اما در مورد صحبت‌های خانم میرهادی، احساس می‌کنم هنوز قانع نشده‌ام. ببینید، امکان دارد ما از بچه‌ها بپرسیم و آن‌ها هم بگویند که از فرهنگ‌نامه خوشمان آمد.

هم‌چنان که بچه‌ها کنار ما بزرگ‌ترها می‌نشینند و فیلم‌های ترسناک می‌بینند و ممکن است خوش‌شان هم بیاید. با وجود این، چنین فیلمی واقعاً برای کودکان نیست. باز هم تأکید می‌کنم که من دوست دارم شورای کودک، فرهنگ‌نامه بزرگ کودک خودش را به دنیا بیاورد. کتابی که به بخش عظیمی از نیازهای کودک ما جواب دهد.

میرهادی: در مورد صحبت‌های آقای اکرمی، می‌خواهم بگویم که ما گاهی بچه‌ها را دست کم می‌گیریم. به نظر من، مخاطبان فرهنگ‌نامه، بچه‌های از اول راهنمایی به بعد هستند. البته، چون تصویر هم داریم، بچه‌های با سن پایین‌تر هم می‌توانند از آن استفاده کنند و در واقع، عجز و مخاطبان‌شان باشند. اما نکته دیگر که به ترویج فرهنگ‌نامه برمی‌گردد. در این مورد باید بگویم که ترویج‌کنندگان اصلی این کتاب مرجع، خود مردم هستند. اگر ما نهادی برای ترویج فرهنگ‌نامه تشکیل بدهیم، شکی ندارم که منابع مالی آن را خود علاقه‌مندان و مردم تأمین خواهند کرد. اگر آمار بگیریم، از ۷۰۰ عضو شورا، گمان می‌کنم تعداد زیادی از آن‌ها این فرهنگ‌نامه را ندارند. متأسفانه، این یکی از آرمان‌های ما بوده که هر عضو شورا، یک دوره از فرهنگ‌نامه را در خانه‌اش داشته باشد. ما سعی کردیم یک تعاونی درست کنیم ولی ظاهراً بلد نبودیم. در مؤسسه مادران، این کار را کردند و

توانستند تمام اعضای مؤسسه را صاحب فرهنگ‌نامه کنند.

به نظرم اولین جاهایی که برای مردمی کردن فرهنگ‌نامه، کارساز باشد، خانواده‌های خود ما اعضای شورا است.

نوروزی: من از خانم میرهادی چند سؤال دارم که فعلاً برای رعایت وقت، فقط یکی از آن‌ها را طرح می‌کنم. نظام آموزشی ما به گونه‌ای است که به دانش‌آموز یاد می‌دهد فقط در پی چیزی برود که از او خواسته می‌شود. شما به کتاب‌های درسی که نگاه کنید، متوجه این مطلب می‌شوید. در چنین نظامی، دانش‌آموز لزومی نمی‌بیند که سراغ کتاب مرجع برود. چیزهایی که از او خواسته شده، در کتاب درسی جوابش موجود است. حتی در کتاب‌های جدید درسی مربوط به ادبیات فارسی، در انتهای کتاب، لغت‌نامه هم گذاشته‌اند. بنابراین، شورا می‌بایست بیشتر روی این قضیه کار کند که کتاب مرجع چیست. این روزها در مدارس، وقتی به بچه‌ها می‌گویند بروید تحقیق کنید درباره این یا آن موضوع، یک هفته به آن‌ها وقت می‌دهند. می‌گویند هفته دیگر که آمدی، نتیجه تحقیقت را هم بیاور. انگار در یک هفته می‌شود واقعاً تحقیق کرد! این طوری می‌شود که تحقیق بچه‌ها بیشتر رونویسی است که اغلب بر کول والدین می‌افتد تا خودشان.

میرهادی: ما سال گذشته، به این مسئله توجه کردیم و در شورا، برنامه‌های پژوهشی برای نوجوانان گذاشتیم. گروهی از مسئولان آموزشی، به ما مراجعه کردند که این پژوهش‌ها را در ناحیه آموزشی آن‌ها هم انجام بدهیم. این کار به شکل‌گیری گروهی در فرهنگ‌نامه منجر شد که کارش، برپایی کارگاه‌های پژوهش در مدارس است. البته، امکانات شورا محدود است و بنابراین، نمی‌تواند در سطح گسترده فعالیت کند. برای چنین کاری، لازم است تغییر عمده‌ای در نگاه آموزش و پرورش اتفاق بیفتد. به محض این که چنین تغییری به وجود بیاید، خواه ناخواه، دانش‌آموزان و حتی معلمان ما هم نگاه‌شان عوض می‌شود و می‌روند سراغ مراجع مختلف؛ چرا که مجبورند برای پرسش‌هاشان پاسخی بیابند.

معتمدی: الان در کتاب‌های کمک آموزشی که انتشارات مدرسه منتشر می‌کند، معمولاً در پایان آن‌ها، فرهنگ‌نامه نیز جزو کتاب‌هایی است که معرفی می‌شود. این خودش تأثیر خوبی در آشنایی مردم با فرهنگ‌نامه کودک و نوجوان دارد.

بکایی: از حضور همه دوستان عزیز تشکر می‌کنیم. خسته نباشید.